

تاریخ شکار در ایران

۲۷ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۳۸

از دیرباز در ایران به دلیل برخورداری از تنوع آب و هوایی و گونه های مختلف حیات وحش، شکار یکی از راههای بقای انسان روی زمین و از اصول فنون جنگی و رزمی به شمار می رفت. ناگفته نماند که شکارچیان از قواعد خاصی پیروی نمی کردند، ولی پس از ظهور اسلام شرایط و حتی شیوه ذبح مورد شکار تعیین شد

از دیرباز در ایران به دلیل برخورداری از تنوع آب و هوایی و گونه های مختلف حیات وحش، شکار یکی از راههای بقای انسان روی زمین و از اصول فنون نگی و رزمی به شمار می رفت. ناگفته نماند که شکارچیان از قواعد خاصی پیروی نمی کردند، ولی پس از ظهور اسلام شرایط و حتی شیوه ذبح مورد شکار تعیین شد .

شکار در طول تاریخ ایران برای پادشاهان جنبه تفریح و سرگرمی داشت و نمادی برای جلوه دادن اقتدار جسمی آنان بود. در دوره پهلوی بسیاری از املاک به صورت قرقگاههای سلطنتی درآمد و فارغ از امور مملکتداری و یا احتمال انقراض نسل حیات وحش به شکار حیوانات اعم از پرند و چرنده می پرداختند. شکار در این دوره بیشتر اختصاص به درباریان و ثروتمندان داشت، حیواناتی که شکار می شدند عبارت بودند از : کفتار، گرگ، شغال، روباه، یوزپلنگ، سیاه گوس، شیر بدون یال خوزستان، پلنگ، خرس، آهو و کل و مراکز شکار اطراف تهران از قرار ذیل: کن، دوشان تپه، دره لار، شهرستانک، سرخه حصار، قلعه حسن خان و جاجرود بود، از آنجایی که امریکا در امور داخلی و خارجی ایران همیشه دخالت داشته و بسیاری از امتیازات را از آن خود می ساخته اتباع آندر این مورد هم بی بهره نبوده اند و حتی فصولی که شکار ممنوع بود مجوز شکار دریافت می کردند.

اداره شکاربانی دربار زیر نظر خانواده آتابای اداره می شد. در سال ۱۳۳۵ قانون شکار ایران تشکیل یافت و بعدها در سال ۱۳۴۶ سازمان شکاربانی و نظارت بر صید و در سال ۱۳۵۰ سازمان حفاظت محیط زیست جایگزین آن شد. البته لازم به یادآوری است با اینکه این سازمانها تاسیس یافت ولی استفاده امریکاییها از امتیازات خود ادامه داشت چنان که این امر در سندی که به تاریخ ۱۳۵۲ می باشد کاملاً مشهود است و مجاز به قانون شکنی می باشند.

اسناد زیر که از مجموعه سندهای مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر می باشد حاکی از مکاتبه اسفندیار گودرزی با کامران آتابای مشتمل بر شرح شکار قوچ، بز و کل توسط آرماند و جوری چلی مهمانان خارجی نامبرده صورت گرفته است.

مکاتبات مسیح کیا با کامران آتابای و توضیح درخصوص کنفرانس شکار سان آنتونیو که با پیام نیکسون شروع و با حضور عده‌ای از شکارچیان و ملاقات با آنان و گفت و گو درمورد شکار در ایران خاتمه یافته، شرکت در نمایشگاه سالزبورگ و شرح برگزاری نمایشگاه شرکت پرشین شکار در غرفه ایوسیع، و اظهار امیدواری به سودمند بودن برگزاری نمایشگاه، اشاره به حضور شکارچیان آلمانی، سویسی و اتریشی، تقاضای ایراد سخنرانی نویسنده درباره شکار در ایران، و اظهار تمایل شکارچیان به انجام شکار در ایران به همراه نامه درخواست صدور پروانه شکار در فصل بهار با توجه به ممنوعیت شکار به دلیل زادو ولد همه گونه های جانوری در فصل مزبور برای آندروش آبکار و دوستان وی با استفاده از نام دوستان آمریکایی که مجاز به شکار در فصل بهار می‌باشند، جهت عزیمت برای شکار به البرز مرکزی (الیکا)، را نموده است .

[۱]

جناب کامران آتابای مدیر عامل محترم شرکت پرشین شکار

با کمال احترام گزارش شکار آقای آرماند و جوری چلی را در منطقه خوش ییلاق به عرض می‌رسانم

حرکت از تهران ۲/۲/۱۳۵۲ و عصر همان روز به محل کمپ رسیدیم و از تاریخ ۳/۲/۵۲ عازم شکار شدیم در حدود ساعت ده صبح به یک گله شکار قوچ و میش برخورد کردم و مجبور شد دو ساعت توقف کنیم چون جای تیراندازی نداشتیم بعد از دو ساعت نتوانستیم جای خوبی برای تیراندازی پیدا کنیم و مهمان شکارچی را با خودم بردم به فاصله یک صد متری شکار و سه راس قوچ که از همه نزدیک تر بودند به او نشان دادم و گفته‌ام قوچ وسطی شکار خوبی می‌باشد و مهمان شکارچی با دوربین شکار را دید و قبول کرد وقتی تیراندازی شد قوچ کوچکتری را زده که از نظر من شکار خوبی نبود ولی شکارچی راضی بود. بعد از عکس گرفتن غروب عازم کمپ شدند و استراحت نموده فردای همان روز ۴/۲/۱۳۵۲ عازم شکار کل شدیم بعد از راهپیمایی زیاد یک گله کل و بز برخورد نمودیم و مهمان را به هفتاد متری شکار بردیم و به او نشان دادم، فاصله آنقدر نزدیک بوده که مهمان با چشم خوب شکارها را دیده و قبول کرد یک راس کل را شکار نماید، و حتی تیراندازی نموده و من مشاهده کردم شکارها فرار کردند و کل زده شد و به مهمان گفتم : تیراندازی کند و لی او گفته که من شکار را زدم وقتی محلی را که نشان داده بود رفتم دیدم یک راس بز شکار کرده که در شکم بچه دارد و به مهمان شکارچی گفتم شما در فاصله هفتاد متر سه بار کل را خوب مشاهده کرده‌اید و قبول نمودید چرا بز را شکار کردید گفته بود اشتباه کردم و من ناراحت شدم از اینکه یک شکارچی چطور می‌تواند این فاصله نزدیک شاخ بلند و بز را از هم تشخیص ندهد روز بعد ۵/۲/۱۳۵۲ باز هم به شکار کل رفتم چون مهمان شکارچی می‌توانست را بیابد از این رو چندین بار کل خوب دید و نتوانستیم شکار کنیم چون جای کل سخت بوده و مهمان نمی‌توانست بیابد تا عصر موفق به شکار کل نشد. تاریخ ۶/۲/۵۲ به شکار قوچ رفتیم و تا ساعت یازده گشتیم و به چند راس قوچ برخورد کردیم بعد از یک ساعت مهمان را به فاصله یک صد و پنجاه متری شکار بردم و تیراندازی کرد یک راس قوچ زد که بسار راضی بوده و قوچ از نظر فرم شاخ و یال قشنگ بوده، مهمان بسیار خوشحال شد . تاریخ ۷/۲/۵۲ باز هم به شکار کل رفتیم و تا عصر نتوانستیم کل شکار کنیم. تاریخ ۸/۲/۵۲ آخرین روز شکار بعد از زحمت زیاد توانستم مهمان شکارچی را به فاصله یک صد و بیست متری کل ببرم و

نشان دادم گفتم کل نسبتا خوبی می باشد، تیراندازی کرد و کل افتاد و قتی مهمان را جایی که شکار افتاده بود بردم از نزدیک کل را دیده و بسیار خوشحال و راضی بود، عصر به کمپ برگشتیم و تاریخ ۹/۲/۱۳۵۲ عازم تهران شدیم و مهمان بسیار راضی و سلامت رسیدیم و مهمان را به هتل بردم که روز بعد تاریخ ۱۰/۲/۵۲ عازم فرانسه شد.

با تقدیم احترام [امضا]: اسفندیار گودرزی

۲ تا ۳۰۱۷-۱-۱۷۲۵۴

[۲]

[آرم : شیر ایستاده، گوزن، ماهی و درخت و علامت مخصوص زیر درخت]

جناب کامران خان عزیز و گرامی با سلام فراوان غروب روز جمعه یازدهم می ۱۹۷۳ هم اکنون از سان آنتونیو مراجعت و در دفتر کار آقای فیتس جرال این نامه را حضورتان مینویسم کنفرانس جالبی در سان آنتونیو داشتم جای شما خیلی خالی بود صدها شکارچی از گوشه و کنار جهان در بزرگترین سالن شهر جمع شده بودند کنفرانس صبح دوشنبه هفتم می با پیام پرزیدنت نیکسون شروع بکار کرد. بروشورهای ما آماده بود و تعداد زیادی به آنجا بردیم همچنین عکس و اسلاید فوق العاده نتیجه عالی بود. با تمام آنهایی که به ما نامه نوشته بودند که برای ما مشتری بفرستند به اتفاق فیتس جرال ملاقات داشتیم مانند جک آچن، کولیز، سرهنگ اسکینز، جک جونز، جو جونز و یکی دو آژانس بزرگ دیگر همه آنها با فیتس جرال به توافق رسیدند. آقای سرهنگ اسکینز پارتی بزرگی ترتیب داد و ما را دعوت کرد که با دوستانش آشنایی پیدا کنیم و برایشان راجع به شکار در ایران صحبت کنیم، همچنین آقای الی تبست میهمانی بزرگی ترتیب داد (در هیلتون سان آنتونیو) و عده زیادی را دعوت کرد که با کار و شکار ما آشنا شوند، نتیجه کار برای خود فیتس جرال هم غیر قابل تصور بود، به جهت اصرار آقای هالسی یک شبانه اکلانما سیتی رفتم ایشان هم پارتی بزرگی داد و شب هم مرا در خانه اش نگهداشت، آقای سوسکی پیرایف که در کنفرانس بود و از قبل مرا می شناخت میهمانی مفصلی در فیلادلفیا ترتیب داده و مرا دعوت کرده است که روز یکشنبه به آنجا بروم و برای شکارچیان فیلادلفیا راجع به شکار در ایران و پرشین شکار صحبت کنم در هر حال همه چیز تا کنون عالی بوده است و از همه چیز عالی تر، اینکه بروشورهای مخصوص خودمان هم تا دوشنبه حاضر میشود و تعدادی با خودم می آورم (همان چیزی که با جناب عالی و آقای زاون صحبت می کردم) آرم پانچ ما هم به طرز جالبی تا چند روز دیگر حاضر می شود. برای فتوسافاری با مایک فیتس جرال مشغول برنامه ریزی هستیم، امشب در وکسفورد با عده ای شکارچی ملاقات داریم. لطفا به آقای زاون بفرمایید هرچه زودتر اجازه خروج تروفه های آقایان لاسن، اشنایدر و نیک را بفرستد در هر حال طاقت نیاوردم که در نامه نویسم تعداد زیادی بوکینگ صد در صد داریم، سلام بنده را به جناب کامبیز خان، آقای آبکار، آقای بهارپور شیک و خوشکل و آقای زاون برسانید. به ویک سلام می رسانم به ایشان بفرمائید بعد از قرنیه به کشورش آمده ام و او (Ban you are Where) چون نامه اداری است اجازه بفرمائید حال که از همه اسم بردم به ملیحه هم توسط این نامه سلام می رسانم، سلامتی همگی شمار را آرزو دارم.

قربان شما [امضا] : مسیح

[روی پاکت]: [مهر دایره‌ای شکل]: U.S. PA SERVICE POSTAL ۱۵۰

[درخت پایه مخصوص علامت و درخت، ماهی، گوزن، ایستاده خرس: آرم] VIA AIR MAIL

PERSIAN SHIKAR

Attn. Kamran Atabai

P. O. BOX ۱۱/۱۹۳۴

TEHRAN, Iran

[حاشیه اطراف سند واجد طرح مخصوص پاکت نامه هوایی است]

۱/ و ۱- ۳۰۰۹- ۱۷۲۵۴ آ

[۳]

[کارت پستال]

چهارشنبه بیست و هفتم فوریه ۱۹۷۳

کامران عزیز با سلام فراوان این کارت را از سالزبورگ حضورتان می‌نویسم. دومین روزی است که در این شهر اقامت دارم برنامه نمایشگاه بسیار مفصل است. برای پرشین شکار خصوصا از سن آنتونیو به مراتب مفیدتر می‌باشد. غرفه بسیار بزرگی مربوط به پرشین شکار با تمام تروفه‌های ایران درست شده است، فاگل و زوندرمن بسیاری از شکارچی‌ها را از آلمان و اتریش و سوییس دعوت کرده‌اند، از فردا صبح افتتاح می‌شود. روز یکشنبه بعد از ظهر به هامبورگ منزل آقای ویلچر رفتم و ایشان را ملاقات کردم، نامه و بروشورها را به او دادم و خیلی صحبت کردیم، قرار است در صورتی که فرصت کنم دوباره ایشان را ببینم. با چند شکارچی در چند شهر ملاقات کردم و تعداد قابل ملاحظه‌ای تا بحال تقاضا نموده‌اند که در سال جاری میلادی برای شکار به ایران بیایند. با سلام فراوان به احمدخان بهارپور، زاون، ویکتور،

قربان شما مسیح

[حاشیه بالا: Gaisberg with fortress the to View ,SALZBERG Blick ,SALZBURG Gaisberg mitt festung die auf]

[حاشیه وسط: Kieselverlag, Salzburg ۵۰۲۰, Rainerstrasse ۱۹, Ruf ۰۶۲۲۲/۷۳۵۸۷]

Mr. Kamran Atabai

P. o. BOX ۱۱ / ۱۹۳۴

Tehran - IRAN

۲-۳۰۰۹-۱۱۷۲۵۴

[۴]

۲۸/۱/۱۳۵۲

جناب آقای کامران آتابای مدیر عامل محترم پرشین شکار

محترماً به استحضار عالی می‌رساند آقای آندروش آبکار به اتفاق یکی دو نفر از دوستان خود قصد دارند از تاریخ دوازدهم اردیبهشت الی شانزدهم اردیبهشت سال جاری برای شکار به البرز مرکزی شمالی (الیکا) بروند و چون در فصل بهار به ایرانیان پروانه شکار نمی‌دهند، پیشنهاد نموده‌اند که به نام دوستان امریکایی آنان (آقایان داونپورت- دان‌پرت) پروانه اخذ و آنان استفاده نمایند، در صورتی که اجازه می‌فرمایند بهمین ترتیب برای آقایان پروانه گرفته شود.

با تقدیم احترام

[امضا]: مسیح کیا

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۷۰۰/ایران-شکار-تاریخ/>